



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹-۹۲-۸۸۸۸۰۷۱۹-۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ امور مشترکین: تلفن: ۲۲- ۸۸۸۱۴۲۳ توزیع شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ چاپ گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲ **www.sharghdaily.ir**

تهران : اذان ظهر ۵:۰۵ اذان مغرب ۲:۰۴ اذان صبح فردا ۴:۰۲ طلوع آفتاب ۵:۴۸

شرق



دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۲ ۸ شعبان ۱۴۳۴ ۱۷ ژوئن ۲۰۱۳ سال دهم شماره ۱۷۵۹ ۱۶صفحه

دست‌نوشته‌های «چه‌گوارا» میراث جهانی می‌شوند

ایسنا:دو کشور منطقه آمریکای لاتین قصد دارند ده‌ها دست‌نوشته متعلق به «چه‌گوارا» را در فهرست میراث معنوی سازمان یونسکو به ثبت برسانند. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، مقامات فرهنگی کوبا و بولیوی با آرایه درخواستی به مقر ویژه کمیته ثبت میراث معنوی سازمان یونسکو در شهر «گوانگجو» کره‌جنوبی قصد دارند دست‌نوشته این شخصیت تاریخی را که حاوی عقاید انقلابی وی است، در هشتادوپنجمین سال تولدش برای ثبت در حافظه جهانی در فهرست میراث معنوی سازمان یونسکو به ثبت برسانند.



نگاه سبز

امیدوارم



✪ **محمد یعقوبی**

● امیدوارم آقای «حسن روحانی» قدر رای‌های مردم را بدانند و وعده‌های انتخاباتی خودش را فراموش نکنند و به عهدش وفادار بمانند. امیدوارم مجددا شاهد حاکمیت تعقل بر فضای جامعه باشیم.توقع از دولت جدید، به لحاظ صنفی، معرفی وزیر فرهنگی کاردان، با فرهنگ و هنردوست است. بعد هم امیدوارم اگر چنین وزیری انتخاب شد، معاون هنری‌اش فردی فرهنگ‌مدار باشد. اینها مسلما خواست‌های کلان است. اما مشخصا در حیطه کاری خودم، خواستار توجه ویژه رئیس‌جمهور به هنر و مخصوصا تئاتر هستم. ساخت سالن‌های جدید تئاتر، رفع منطقی ممیزی‌های دست‌وپاگیر و ایجاد فرصت برای تولید کارهای ایرانی، خواست دیگرم از دولت تازه است. بسیار امیدوارم که دوباره فضایی تقدیرپذیر بر جامعه حاکم شود. آزادی بیان در چارچوب قانون محقق شود و دولت آقای روحانی با ایجاد روال منطقی در ساختارهایش، فضای گفت‌وگو در بین مردم ایجاد کند. خواست مسلم همه مردم نیز دوری کردن دولت جدید از سیاست‌های هشت‌سال گذشته و توجه ویژه به وضعیت اقتصادی است.

بی‌هیچی

نویسندگان در آستانه دوره اعتدال

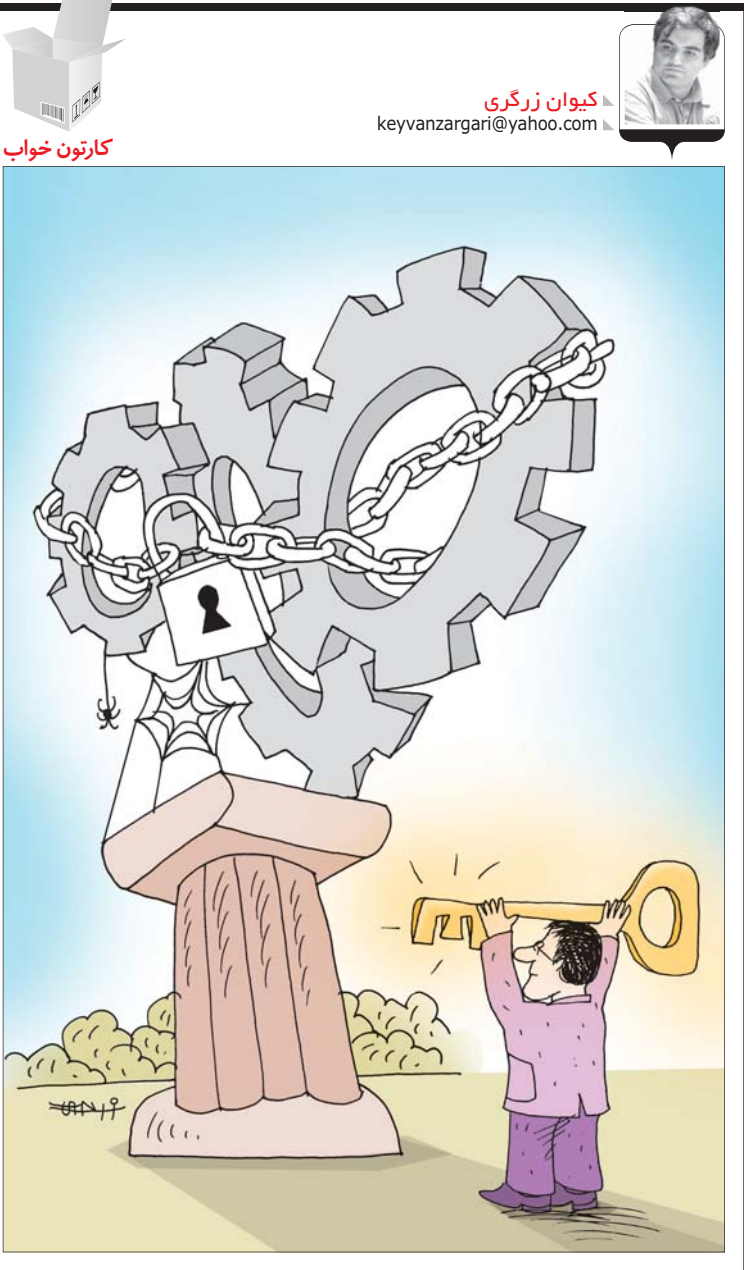


✪ **داریوش معمار**

● آنچه گذشت: نویسندگان ایرانی از دوره‌ای که ادبیات، تأثیرگذاری بسیار عموم مردم، به عنوان پیش‌برنده خواسته‌های مدنی و تحولات اجتماعی، پیدا کرد و انواع نوظهور آن (داستان، رمان، شعر نو و اشعار اجتماعی) نمونه‌ای از پیشرفت و تجدد در عصر جدید محسوب شدند، همواره به عنوان فعالان و کنشگران اجتماعی مطرح بوده‌اند. استفاده از عنوان روشنفکر نیز احتمالا از همین دوره برای ایشان معمول شده است. در این سال‌ها تأثیر حضور نویسندگان در حوادث مهم اجتماعی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سال ۵۷ و دیگر وقایع مهم، همواره برپوزی روشن داشته است. در سال‌های پس از انقلاب نیز در دوره‌های مختلف نویسندگان به صورت گروهی و فردی با انتشار آثار، طرح نظرات و حضور فعال در جایگاه کنشگران اجتماعی، سیاسی و روزنامه‌نگار گاه جلوی مردم، گاه همراه ایشان و گاهی پشت سر مردم با تغییرات و تحولات پیش رفت‌اند.

همراه با تولد دولت اصلاحات در نیمه دوم دهه ۷۰ و ظهور روزنامه‌ها، مطبوعات جدید، نام‌نویسندگان نیز در مطبوعات و رسانه‌ها، به‌خصوص نسل جوان بسیار دیده و شنیده شد، جدای از تحولات مهم ادبی که در دوره اصلاحات شکل گرفت، نمی‌توان انکار کرد نویسندگان روشنفکر در بسترسازی پیروزی روند اصلاحی در جامعه از اوایل دهه ۷۰ حضوری و نقشی چشمگیر داشته‌اند. آنچه در پیش است: در بازگشت مجدد مردم به مبانی اصلاح‌طلبی با پیروزی دکتر حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور جدید، که عناوین اصلاحات، اعتدال و امید را بر پیشانی حرکت خود دارد، هرچند به دلایلی نویسندگان در ظاهر پیش از مردم نبوده‌اند، اما حضور ایشان در کنار مردم از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی، محسوس بوده، این موضوع فرصتی تازه برای احیای نقش نویسندگان روشنفکر در مسیر تغییرات اصلاحی و مدنی جامعه فراهم کرده است.

به نظر نگارنده پیروزی اصلاحات در دوره جدید، پیروزی منش «تعامل فعال مدنی» و «اعتدال اصلاحی» به‌جای «تندروی احساسی» از هر نوع آن، اعم از اصولگرایانه یا اصلاح‌طلبانه است، در این زمان اصلاحات با این امید که بتواند از پتانسیل تعاملی فراگیر بهره گرفته و انواع سختی‌های موجود را تعدیل کند، گشایشگر مسیری تازه برای تغییر در روش‌های فعلی است. امروز تکیه بر «عقلانیت اعتدالی و تعاملی» نقطه آمیدی برای آینده است و به‌نظر می‌آید نویسندگان نیز با درک این مهم و احیای مثنی فعال خود در ایجاد فضای تعاملی و بسترسازی برای آن به واسطه نشر افکارشان می‌توانند حضور جدی‌تری در به‌این روند تازه تجربه کنند، این جایگاه احتمالا در یک زمان کوتاه، نتیجه‌اش بازگشت به مسیر بالندگی فرهنگی است و در درازمدت نیز نتیجه آن با تعامل همدلانه مدنی ناشران و پدیدآورندگان فرهنگی با جامعه و نشر انبوه آثاری خواهد بود که در انتظار فرصت تازه برای برویافتن هستند.



✪ **کیوان زرگری**
keyvanzargari@yahoo.com

ادامه از صفحه اول

بخش خاموش چه می‌خواهد بگوید؟

هدف فی‌القرور خود را تفهیم جهان‌روای اغراض و برنامه‌های عملی و واقعی ملت ایران و اثبات صلح‌طلبی، تنش‌زدایی و پرهیز از هرگونه بهانه‌دادن به دخالت‌گری و جنگ‌آفرینی‌های قدرت‌های کلان و خُرد خارجی در منطقه و کشور دانسته، به‌ویژه در خنثی‌سازی کامل توطئه فحیح برانگیختن نزاع‌های کور مذهبی و اتخاذ نوعی فرهنگ و سیاست شایسته و انسانی زیست‌محیطی در بلندمدت (در دفاع از حوزه‌های مسکن و شهرسازی و عبور و مرور و مقابله با ضایعات و آلوده‌سازی‌های آب و هوا و زمین و صوت …)، که با توجه به وقوع پیاپی فجایع و بلابای طبیعی در کشور و منطقه ما اهمیت و فوریت روزافزون می‌یابد.

در یک کلام، در صورت فقدان بینش و منش اعتقادی و اخلاقی لازم، امکان اصلاحات اساسی و ساختاری در شرایط پس‌انقلابی، انتظاری غیرواقعی‌پیمانه خواهد بود. از این‌رو، مخاطبان اصلی را در این راستا و در اینجا باید خود مردم و فرزندان پاک‌نهاد ایشان دانست که با گذشتن از دوران انتخابات، به خواب افغانل نروند و در مقام تنها ضامن اجرای وعده‌های انتخاباتی، با تداوم حضورشان در صحنه، این اکثریت مطلق نیمه خاموش را همچنان و هرچه رسانتر به سخن آرند!

۴. «جبهه اصلاحات» (و مجموعه نیروهای همسو با او)، از تجربه عقب‌نشینی هشت‌سال گذشته خود که محصول اشتباهات راهبردی در مسوولیت اجرایی هشت‌سال پیش از آن بوده، جمع‌بندی و خروجی روشنی ارایه دهد و در رفع ناتوانی‌های گذشته در حیاتی‌ترین امور سرنوشت‌ساز زیر بکوشد (در دفاع از دستاوردها و مکتسبات انقلاب‌های مردم ایران طی سده گذشته از صدر مشروطه تا سال ۵۷).

● از سویی، بهترین سראغاز (در دفاع از اصل جمهوریت و حاکمیت ملی قانون- بنیاد، حقوق و آزادی‌های بشر و شهروند مصرح در قانون اساسی - به‌رغم برخی اتهامات و دوگانگی‌های آشکار در تبیین، تفسیر و اجرای آن و در این راستا، رفتار و تصمیمات دستگاه و نظام قضایی)، فراهم‌آوردن شرایط رهایی‌زندانیان و بازگرداندن رانده‌شدگان اهل فرهنگ و هنر و رسانه و دانشگاه و… به کار و کاشانه و کشور و خویشان خویش.

● از سوی دیگر، توجه به بحران حاد معیشتی مردم و دغدغه رونق اقتصادی، عدالت و تأمین و پوشش اجتماعی (فارغ از هرگونه تظاهر و جنجال عوام‌فریبانه و تمهیدات تسکینی). اصلاحات داخلی، در این دو حوزه نمی‌تواند در شرایط نامساعد خارجی توفیق یابد؛ بنابراین درپیش‌گرفتن آن نوع از دیپلماسی بین‌المللی (مبتنی بر منافع ملی و مصالح منطقه‌ای)، باید

برداشت آخر

روایتی از شامگاه ۲۵ خرداد ۹۲

ما بزرگ شده‌ایم

دیگر از شهرستان‌ها، پیروزی منتخیشان را جشن گرفته بودند، دیده‌اید یا نه؟ من اما دیدم! از پیرمرد و پیرزن و کودک و جوان و میثاسل همه آمده بودند؛ آمده بودند که بدون کوچک‌ترین تعرض و توهینی، پیروزی کاندیدای منتخبشان را جشن بگیرند. «آدم‌ها» با هم فرق می‌کنند و هدف‌ها نیز؛ اما آن شب، «امید» سرفصل مشترک جملگی آنان بود، «شان» بودند، «آرامش» داشتند و روزهای خوب را به انتظار نشسته بودند. روزهای خوبی که امیدوار بودند در انتظار کشورشان است. کشوری که مردمی دارد به بزرگی ملت ایران. ملتی که با رای خود تمامی تحلیل‌هایی

و به امید. ما بزرگ شده‌ایم، باور کنید، از خشونت بیزاریم، از هیجانات مقطعی به دوریم، نمی‌خواهیم احساسی حرف بزیم و احساسی عمل کنیم، آرزوهای دست‌نیافتنی را برای بیشتر نامیدندش کنار گذاشت‌ایم، «زمینی» شد‌ایم، «زمینی» شد‌ایم و سرنوشت‌مان را در قمار «تدبیر و امید» گذاشت‌ایم. تدبیر و امید یک شعار تبلیغاتی نیست، یک «راه» است؛ همانگونه که حسن روحانی یک «راه» است، راهی که ملت ما آن را برگزیده است و همه‌جوره پایش ایستاده است. نمی‌دانم شما هم چهره مردم‌لانی را که شامگاه بیست‌وپنجم خرداد در خیابان‌های تهران و برخی



✪ **پژمان موسوی**

به شادمانی‌رسیدن، به رضایت. به روای مشترک رسیدن، دیدن، بوسیدن، بزرگ‌شدن. تماشا کنید، ما به زندگی بر می‌گردیم…

سیدعلی صالحی و ما شامگاه بیست‌وپنجم خرداد‌مانه نود و دو، به شادمانی رسیدیم، به رضایت، به روای مشترک

زاویه دید

داور نهایی، مردم هستند



✪ **جواد مجابی**

در تمام گفت‌وگوهایی که در این مدت درباره حوزه فرهنگ انجام شده، اغلب اهالی فرهنگ بر این عقیده‌اند که نهاد ممیزی باید از میان برداشته شود تا نویسندگان بتوانند در فضایی آزاد به خلق آثارشان بپردازند. اگر مسال‌های هم در ارتباط با کتابی پیش بیاید، باید با آن مطابق قانون رفتار شود، البته قانونی معقول؛ به‌دور از ضعف. من به این گفته دکتر حسن روحانی که «سانسور باید از بین برداشته‌شود» اعتقاد راسخ دارم. این همان عقیده‌ای است که ما سال‌ها پیش در ایران مطرح کردیم و به جایی نرسید. اصولا نباید مساله ممیزی و برخورد با متون فرهنگی تحت نظر یک سری کارمند و در پستوهای تارکب صورت بگیرد و امروز بسیار خوشحالم که دولتمردان ما سرانجام بحث‌ها و اعتقادات ما را پذیرفته و به آن باور دارند و راه تعامل و مسیر واقعی «آزادی بیان»

نگاه کن؛ این همه رهگذر…



✪ **سهیل محمودی**

ایرهارا

کنار بزن!

در زیر سقف کاذب حیات

تقسیم‌بند آمد.

من خودم را نه حماسه‌ساز می‌دانم و نه حماسه‌پرداز. من یک شاعرم؛ شاعری تغزلی. سروکارم با «عشق» است یکسره. مخاطبان من نیز همین مردم کوی و برزن. کسی نمی‌تواند بین من و «عشق» فاصله بیندازد؛ که پیش‌تر از اینجا گفته بودم:

من و عشق، یاران دیرینه هستیم

من و عشق، لبخند و آینه‌ن هستیم

ادامه از صفحه اول

بار دیگر، شهری که دوست می‌داشتیم*

نگارنده در فاصله‌ای که هم میدان دید را حفظ کند، هم این صحنه را معذب نکند، به تماشا نشسته بود… «رامین» با شوق بی‌حساب خود پرسید: قریوتون برم می‌خوانی رای رأ بدین؟

و خاتم مسن با لبخندی به قوت ریشه‌های می‌کنند… اما گفتش را می‌گذارم برای بعد که هیجانش فروکش کند. می‌ماند اینکه حال و نفس شنبه‌شب پرستاره را، آنان که بی‌مق، روز جمعه در خانه‌ها ماندند از دست دادند که کاش پیش دلشان راضی باشند و کاش از فردا کمی منصفانه‌تر با ما و خویش، سر کنند… باز بگذریم.

و صداقتش را بخواید شنبه‌شب به دنبال آن دو خاتم مسن، می‌گشتم که چهارشنبه گذشته

حوالی میدان ونک در گوشه‌ای نه‌چندان روشن، بی‌هیچ حرکت هیجانی، گوشه‌ای ایستاده بودند و عکس آقای «روحانی» را در دست گرفته بودند… محکم و بی‌قید، فقط «ایستاده» بودند… پسر جوان پر جنب‌وجوشی که بعدا فهمیدم «رامین» نام دارد، با هذبند بنفش و کلی عکس و تراکت آقای «روحانی» به طرفشان آمد.

درام‌های تلفنی

فوتبالیست‌ها



✪ **سوسن مقصودلو**

● مهناز – الو؛ سلام. من – سلام مهوش جون به خونه زنگ بزن. اینجا خوب آنتن نمیده. مهناز – نشناختید؟ من – … مهناز – من مهناز هستم. خواهر مهوش شماره خانه را لطف کنید. من – یادداشت کنید.

● ● ●

مهناز – دوباره سلام مزاحم نیستم؟

من – نه.

مهناز – چه خبر؟ داشتم برای پسرم شازده کوچولو را می‌خواندم به قسمت روباه و اهلی شدن که رسیدم؛ یاد شما اقدام که نقش گل را بازی کرده بودید. می‌شود با پسرم سلام علیک کنید؛ می‌خواهد صدای شما را بشنود.

من – شب‌بخیر آقا کوچولو.

پسر – شب‌بخیر خاتم گل سرخ.

من – از شازده کوچولو خوست میاد.

پسر – بله خداحافظ.

مهناز – ببخشید؛ پسرم باید بخوابد.

من – …

مهناز – چه خبر هنوزم کار می‌کنید.

من – گاهی.

مهناز – خوب است که می‌نویسید. سرتان گرم می‌شود. من – الان داشتم قصه عارفی را می‌خواندم؛ از مردی پرسید چندسالت است؛ گفت ۳۰سال. گفت ۳۰سال‌را از دست دادی چه بدست آوردی؟

مهناز – خب.

من – همین.

مهناز – …

من – …

مهناز – پسرانت چطور است؟

من – پسر کوچکم ۱۶ساله است.

مهناز – راست می‌گین. آخرین‌بار که دیدمش یک‌ساله بود. پسر بزرگ‌تان چه می‌کند؟

من – درش تمام شد.

مهناز – یادتان است کارتون فوتبالیست‌ها را دوست داشت. من – یادم نمیاد.

مهناز – یکبار به او گفتم دو تا از فوتبالیست‌های داخل کارتون، پسرخاله‌های من هستند.

من – راستی؟

مهناز – با تعجب گوش کرد وقتی رقم به شما گفته بود چه دوست دروغگوئی داری. یادتان است اسم آن فوتبالیست‌ها چه بود؟

من – نه.

مهناز – خب دیگر مزاحم نمی‌شوم. خدانگه‌دار.

● ● ●

مهناز – ببخشید مجددا رنگ می‌زنم.

من – خواهش می‌کنم.

مهناز – به داریوش‌جان بگویید اسم پسرخاله‌های من سوسا و کاکرو بود.

داریوش – کی بود مامان؟

من – خانی که برای تو یک پیام داشت.

داریوش – کی؟

من – مهناز بود.

داریوش – از بلام خبری نداد؟

من – نه.

با شاعر

شعری از شاعر تونس‌ی ابوالقاسم شاطبی پاسخ تقدیر

إذا الشعب يوماً أراد الحياة فلا بد أن يستجيب القدر
فلا بد للبل أن ينجلي
فلا بد للقيد أن ينكسر
هرگاه ملتی اراده زندگی کند
تقدیر به ناگزیر باید پاسخ دهد
شب به ناچار باید بدرخشد
و زنجیر به‌ناچار پاره خواهد شد

مخبرالدوله

انتشار «حکایت‌های مریخی»

● ایسنا: کتاب «حکایت‌های مریخی» اثر ژی بردبری در ایران منتشر شد. به گفته علی شیععلی مترجم کتاب «حکایت‌های مریخی» این کتاب دنباله دیگر آثار این نویسنده در ژانر فانتزی است و دردگیرنده چند داستان بههم پیوسته درباره مریخ است. پیش‌تر به قلم این مترجم، رمان علمی – تخیلی «فازنهایت ۴۵۱» ری بردبری در نشر سبزان منتشر شده است.